

بگذارد ما بزرگ سووم

بگذارد ما بزرگ سووم

ما به گواره آدمی زنی زنی

ردی گشته روان نوردنم

یا بقیسم ، به گریه می گویم

بگذارد ما بزرگ سووم

بگذارد ما بزرگ سووم

تا که بالذکرش بخشنم کام

بزدن عمر نیز بوسه زینم

وارزه ای اولین ما - مادر

اولین بوسه مان به روی مادر

ما و بازی با مرد سکه

ما و مدرسه آد علم و هنر

بگذارد ما بزرگ سووم

ما که نسل برنده مان هستیم

کج گناه ام در بی زمان هستیم

تو بگو از زبان ما ، شاعر!

نامه ای سایه ای که مانده به شکت (۱)

نفره می گشته از قعر زمین

با کد نوی است از ضایعیت جنگ

کتاب ، جیل است

کتاب کت است

کتاب او هستی آدمی عوار است

ببراز نام کت بفرار است

ای بیفتم و بازی بر خنرم

(نام)

بنویسید این نذر گهواره:
 کاروان آبی نوسفر ما بشم
 مامه سازندگان فردا بشم
 مامه آندهم جهان مستم
 بسیار ستارگان مستم
 با صدای بلند می گویشم
 گلزارید ما بزرگ بشم
 گلزارید ما بزرگ بشم
 + + ۰

اصل
 ۲۱
 ۵